و آنانی که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکوکاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله
حال هم شانس دست یافتن به یک قانون اساسی خوب وجود دارد
ص۲

نماز تراویح
ص۷

مقوله ریزه گرایی و ریزه گرایی در ادبیات
ص۴

دور ششم سال دوم شماره سوم چهارشنبه ۲۱ عقرب ۱۳۸۲ ۱۷ رمضان المبارک ۱۴۲۴ھ 12 November 2003

مسودهٔ قانون اساسی، دیدگاه ها و نظریات



استاد ربانی، رهبر جهاد ومقاومت افغانستان:

افغانستان برای رهایی از بحران به یک نظام پارلمانی نیازدارد

استاد ربانی رئیس جمهور سابق ورهبر جهاد ومقاومت افغانستان در پاسخ به این پرسش مجاهد که نظر شما در پیرامون مسودهٔ قانون اساسی چیست؟ گفتند: در مسودهٔ قانون اساسی مسائلی فراوان قابل بحث ومناقشه وجود دارد اما من در بارهٔ مهم ترین مساله آن یعنی ساختار نظام سیاسی در این جا سخن می گویم ، سپس اظهار داشتند که افغانستان برای رهایی از وضعیت بحرانی کنونی به یک نظام پارلمانی نیازمند است.

استاد افزودند که در وضعیت کنونی هنوز بحران بی اعتمادی وعدم اطمینان به یک دیگر، از میان نرفته و وحدت ملی ما هنوز تأمین نگردیده است. برای تحقق این اهداف استاد ربانی نظام پارلمانی را برای افغانستان ضروری دانست و افزود تجربه نشان داده است که در کشورهای جهان سوم وبه خصوص در خاور میانه، هستند کشورهایی که با تفویض قدرت به یک شخص به عنوان رئیس جمهور سلطه وقدرت را به سوی استبداد و دیکتاتوری به پیش برده اند.

در این نظام ها در زمان انجام انتخابات آنان قادر نیستند ۹٪ آرای مردم را به دست آرند ولی دم از اخذ ۹۹ فیصد آرا می زنند.

رهبر جهاد ومقاومت علاوه کردند که در نظام پارلمانی ص۷

دجمهوري رياستی نظام په باب غبرگونونه

۳مخ



قاضی محمد امین وقاد:
په دی شرایطو کی ملک لپاره ریاستی نظام غوره کړنل کیږی



واقف حکیمی :
رياستي نظام ملک بیا له بحران سره مخامخ کوي او پارلمانی نظام دملک دثبات سبب ګرځی.



استاد گل رحمن قاضی:
دحقوقي لحاظه اصلاً دديموکراسی یوه وجه تفکیک د قواو دي چی په دی مسوده کی په پام ندی نیول شوی

ضرورت مهار کردن قدرت زمامدار در مسودهٔ قانون اساسی

ص۲

جایگاه زبان وتعبیرات قانونی در مسودهٔ قانون اساسی

ص۶

اساسي قانون او په ټولنه کې دقدرت د ویش مساله

۵مخ

پیام استاد ربانی به مناسبت سومین سالگرد وفات دگر جنرال سمیع الله قوماندان فرقهٔ کنرها

إنا لله و إنا إليه راجعون



باشنیدن خبر دردناک وفات مرحوم جنرال سمیع الله خان قلباً متأثر شدم، او یکتن از چهره های تابناک جهاد ملت بزرگ افغانستان بود، زمانی که احساس نمود دیگر خدمت در اردوی افغانستان در نظامهای کودتایی به نفع مردم نیست، وجریانهای وابسته کشور را بسوی پرتگاه نابودی سوق می دهند، به منظور دفاع از استقلال وآزادی وهویت ملی، تاریخ، فرهنگ ومقدسات وظیفه را ترک گفته وبه صفوف تشکیل جهاد ومقاومت پیوست باپیوستن او وامثالش تحول بزرگی در صفوف جهاد به میان آمد، چه از یکطرف برآمدن این افسران تزلزلی را در صفوف اردوی افغانستان ایجاد کرد واز جانبی هم کمبود کدرهای نظامی را درمیان مجاهدین مرفوع ساخت.

بعد از پیوستن در صف جهاد کمیتهٔ نظامی جمعیت اسلامی را که به منظور رهبری جهاد مسلح تشکیل شده بود سروسامان داد در تربیهٔ افراد در مراکز مختلف جهادی کمر همت بست و در سنگرهای مختلف عملاً حضور یافت، شب وروز مشغول کار وفعالیت بود، به منظور تربیهٔ کدرهای متعهد وآگاه در ایجاد حربی پوهنتون وحربی شونځي جمعیت باسایر افسران جوان ص۸

انفجارهای ریاض یک صدوبیست کشته و زخمی بر جای گذاشت

به اثر انفجارهای پی در پی در یک منطقهٔ مسکونی در ده کیلومتری غرب ریاض پایتخت عربستان سعودی دست کم یک صدو بیست نفر کشته و زخمی شدند. این انفجارها در محلی رخ داد که بیشترینه ساکنان آن را مهندسان وکارکنان خارجی تشکیل می دهند.

به نظر تحلیلگران، حمله بر این منطقه قبلاً طرح شده بود وچون در این مجتمع مهندسان وکارشناسان آمریکایی سکونت داشتند که در پی سردی روابط میان ریاض و واشنگتن آن جا را ترک نمودند.

مقامات عربستان سعودی، القاعده را مسؤول این بم گذاری خوانده اند.

کارشناسان غربی با مقایسه تکنیک این انفجار، با انفجارات سابقه، القاعده ادعای عربستان سعودی را تأیید نموده اند.



ایالات متحدهٔ آمریکا از وقوع انفجار با خبر شده بود اما نمی دانست که اهداف القاعده در کدام محل متمرکز می باشد بناءً یک روز پیش از وقوع انفجار، سفارتخانه و تمام مراکز تجارتی و فرهنگی خویش را به شمول قونسلگری ها در سراسر عربستان سعودی مسدود نمود و از کارمندان و شهروندان آمریکایی مقیم عربستان سعودی خواست تا در ملاء عام ظاهر نشوند.

مجاهـــد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر

آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

حال هم شانس دست یافتن به یک قانون اساسی خوب وجود دارد

بانشر مسودهٔ قانون اساسی، مباحثات گسترده یی در پیرامون آن آغاز یافته است.

ظاهراً هدف اساسی از نشر این مسوده نیز به دست آوردن نظریات مردم در بارهٔ قانون اساسی آینده خوانده شده است؛ بنا براین همان گونه که کمیسیون تدقیق وعده سپرده است، باید نظریات و پیشنهادهای مطروحه از سوی مردم جدی گرفته شود واز این مرحلهٔ حساس و فرصت پدید آمده برای پایان دادن به تنش ها و بحران های دیرینه استفاده یی بزرگ صورت گیرد.

واضح است که کشور و مردم ما در پی سالها کشمکش و بحران که در بی عدالتی های گذشته ریشه دارد، به یک قانون اساسی فراگیر نیاز دارند که بتواند خواسته های مشروع و انسانی گروه های مختلف قومی و لایه های گونه گون اجتماعی را بر اورده سازد و حمایت اکثریت مردم را فراهم کند. نیاز اساسی و مبرم جامعهٔ ما قانونی اساسی است که مواد واحکام آن تأمین حقوق و آزادیهای مشروع مردم را تضمین نماید.

با تأسف باید گفت که مسودهٔ قانون اساسی نه تنها تنش و بحران زدا به حساب نمی آیدکه اگر چنین تصویب شود خود باعث بحرانهایی تازه خواهد شد زیرا مواد مندرج در مسوده به خوبی می رساند که در تسوید آن به مصلحت هایی دیگر غیر ارزشهای ملی و خواسته های مردم و حقوق اساسی آنان ، ترجیح داده شده است و واضح است که چنین حرکات و اقداماتی منافع ملی را با تهدید مواجه می سازد.

به هر حال لویه جرگهٔ قانون اساسی اگر مورد دستبازی ها و مداخلات مصلحت نیندیشانه قرار نگیرد، می توان به آن به عنوان زمینه یی دیگر برای بر آورده ساختن بسیاری از مقاصد و حقوق مردم ، چشم داشت . برای دست یافتن به چنین مأمولی باید موارد زیر جداً رعایت گردد.

۱. به آراء و نظریات مطروحه مردم در مورد مسوده ، ارزش لازم داده شود.

۲. از هر نوع پافشاری برای تحمیل خواسته های شخصی و گروهی و تسجیل آنها در قانون اساسی ، صرف نظر شود.

۳. در کار انتخابات نمایندگان مردم برای لویه جرگهٔ قانون اساسی مداخلات بی مورد صورت نگیرد.

٤. به خواسته های مشروع نمایندگان مردم که در لویه جرگه قانون اساسی مطرح می گردد. ، کاملاً ارزش داده شود.

٥. مقامات مسؤول قانون اساسی را با معنای اصلی آن یعنی میثاق زیست باهمی تمام مردم ، جدی بگیرند و از آن به منظور گسترده ساختن اقتدار، انحصار قدرت و موارد منفی دیگر استفاده نکنند.

٦. در سازو کار برگزاری لویه جرگه باید از ارزشهای کاملاً دموکراتیک کار گرفته شود و از زدو بند های آشکار وپنهان- چنان که در لویه جرگه اضطراری رخ داد اجتناب صورت گیرد.

رعایت و احترام به موارد فوق می تواند در مرحله یی که نشر مسودهٔ قانون اساسی باعث ایجاد بیم و اضطراب در حلقات مختلف مردمی گردیده است به این بیم و دلهره های بحرانزا نقطهٔ پایان بگذارد.

مسودهٔ قانون اساسی در دیدگاه ها و نظریات

ضرورت مهار کردن قدرت زمامدار در مسودهٔ قانون اساسی

وحید مژده

قانون اساسی، شالودهٔ نظام حکومت و مشخص کنندهٔ مناسبات در جامعه و به بیان روشن تر، تأمین کنندهٔ حقوق متقابل میان دولت و ملت است.

بادر نظر داشت چنین اهمیتی، که هر عضوی از جامعه این وثیقهٔ ملی را مؤثر در سرنوشت امروز و آیندهٔ کشور خویش می بیند، لازم است تا ابراز نظردر مورد این مسوده فقط در حلقه های کوچک محدود نماند.

مسودهٔ قانون اساسی همان گونه که از نامش پیداست، نام طرحی نیست که نهایی شده باشد و بنا براین جای ابراز نظر و طرح سؤال هنوز باقی است.

من نیز با همین اجازه و رخصت آنچه را که به زعم خود شایان تذکر دانستم ذیلا نشاندهی می کنم. با این باور که هیچ طرح انسانی کامل و عاری از خطا نیست و با این اعتقاد که تعدد آرا و نظرات موجب خیر و برکت و اصلاح است.

***

اگر این سؤال مطرح شود که چه کسی شایستهٔ حکومت کردن است؟ شاید هرکدام ما مشخصاتی برای یک رهبر ایده آل خود در ذهن داشته باشیم که برزبان آوریم. با تقوا، شجاع، دانشمند، عادل، مدبر و مدبر...

این نوع طرز دید ما را بیشتر به یاد اندیشه های فلسفی سیاسی افلاتون می افگند که معتقد بود بهترین ها باید حکومت کنند و دیگران از آنان اطاعت نمایند.

طرز دید افلاتون در مورد عدالت نیز برخاسته از همین طرز دید او در مورد یک حکومت ایده آل یا مدینهٔ فاضله است. از نظر او اگر حاکم حکومت کند، کارگر به کار مشغول باشد و برده بردگی نماید، آن حکومت عادل است. یا دانا باید رهبری کند و نادان باید پیروی کند.

این نظریات که در کتاب جمهوریت افلاتون به تفصیل آمده است، امروز مورد انتقاد های تند آنانی قرار گرفته است که خواستار یک جامعهٔ باز از نظر سیاسی اند. اما بدعت افلاتون ریشه دار تر از آن ست که به سهولت و با چند انتقاد از نوع انتقاد های کارل پوپر در کتاب جامعهٔ باز و دشمنانش، از میدان بیرون رود.

منتقدان بر نظریات افلاتونی این سوال را مطرح می کنند که اگر نادانی بر اریکهٔ قدرت تکیه زد، در آن صورت چه باید کرد؟ این سوال مبتنی بر حقایق مسلمی است که در هر دور و عهدی مثالهای آن کم نیست. از آن زمان که دیوانه ای بنام (نرون) بخاطر یک هوس زود گذر شهر روم را به آتش کشید تا امروز که زمامدار کشوری تصمیم به جنگ با کشور دیگری می گیرد و جهانی را به خاک و خون می کشد این تراژیدی تکرار می شود.

پس باید بپذیریم که حکمرانان کشور ها همیشه بقدر کافی نه خوب اند و نه خردمند. اصل شایسته سالاری در اینجا کمتر قابل تطبیق است. پس نباید تئوری مبتنی بر آرای هواداران مدینهٔ فاضله را صبغهٔ قانونی بدهیم. یک زمامدار خوب تا جاویدان زنده نخواهد بود که قانون به سلطهٔ او تا جاویدان مشروعیت بخشد. از همین جاست که این سوال ذهن اندیشمندان را بخود داشته است: مؤسسات سیاسی را به چه شکل باید سازمان داد که مانع صدمات ناشی از قدرت حکام بد و نالایق گردد.

در اینجاست که پای قانون به عنوان یگانه وسیله برای مهار کردن قدرت حکام به میان می آید. در غیر آن یک فرد با اقتدار تقریبا هرآنچه را که اراده کند به عمل در می آورد تا آنجا که مبدل به یک واجب الاحترام غیر مسؤول می شود و هیچکس را یارای پرسش از وی نیست.

> **حکمرانان کشور ها همیشه به قدر کافی نه خوب اند و نه خردمند. اصل شایسته سالاري در اینجا کمتر قابل تطبیق است.**

بنا براین در یک قانون مبتنی بر یک نظام مردم سالار، سوال اول در مورد مهار کردن های قانونی قدرت حاکم است. این مهار کردن ها در رابطه بین ملت و زمامدار باید بصورت مشخص تعریف شوند.

نگاهی به مسودهٔ قانون اساسی جدید نشان می دهد که این مهار ها و یا بعبارهٔ دیگر این وسایل قانونی محدود کنندهٔ قدرت مطلقه، بسیار ضعیف و در مواردی کاملا نامشخص است.

در مادهٔ شصت و چهارم برای رئیس جمهور حد اقل بیست و دو صلاحیت در نظر گرفته شده است که مراقبت از اجرای قانون اساسی در صدر آن قرار دارد. اگر سوال این باشد که در صورتی که رئیس جمهور خود از قانون تخلف نماید، کدام مرجع می تواند از این تخلف جلو بگیرد؟

در مادهٔ شستم آمده است که رئیس جمهور در برابر ملت مسؤول می باشد اما در هیچ جا نیامده است که ملت این حق را چگونه اعمال می کند. پارلمان این حق را ندارد زیرا در مادهٔ شصت و نهم آمده است که: اتهام علیه رییس جمهور به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی، یا جنایت. از طرف یک ثلث از اعضای ولسی جرگه تقاضا شده می تواند... در مواردی که ذکر شد تخلف رئیس جمهور از قانون اساسی بعنوان یک جرم ذکر نشده است.

در این مسوده، شورا، محکمه یا دیوانی هم برای قانون اساسی در نظر گرفته نشده که بتوان آنرا وسیله یی برای مهار خودسری های زمامدار از قانون بشمار آورد.

بر طبق فقرهٔ دوم از ماده، شصت و چهارم، رئیس جمهور به تنهایی ترسیم کنندهٔ خطوط اساسی سیاست کشور است. در اینجا ما رئیس جمهور را در مقام یک پادشاه و حتی یک امپراتور می یابیم که بدون مشوره با پارلمان حق دارد آنچه را که صواب می پندارد، عملی سازد.

***

افغانستان را می توان لابراتوار تجربه های ناکام نظام های سیاسی خواند. تجربهٔ ناکام دموکراسی در نظامی که باید شاهی مشروطه می بود، آغاز گر یک الیمهٔ بزرگ برای این ملت شد. در نظامی که باید شاه سلطنت می کرد نه حکومت، شاه در پردهٔ دموکراسی و شاهی مشروطه همان کاری را می کرد که شاهان مطلق العنان می کردند. شاه با آن قانون اساسی خواست فقط مشکل خود با عموزادگان خود را حل کند ولی مشکل ملت همان بود که بود. شاید شاه ملت را هنوز فاقد رشد سیاسی لازم برای بهره گیری از مواهب یک نظام دموکراتیک می دانست و به همین علت در تلاش بود که اکثریت اعضای شورا از کسانی باشند که با نظام سر سازگاری دارند.

عمو زادگان نیز بیکار ننشستند و طومار آن دموکراسی را با نظام سلطنت هردو درنوردیدند و بساط جدیدی را بنام جمهوریت پهن کردند. داود خان می گفت: مشکل بزرگ این ملت فقدان یک ایدئولوژی است. برای پرکردن این خلا که او در ملت احساس کرده بود. اساس حزبی را بنام (انقلاب ملی) نهاد.

ایدئولوژی این حزب بر سه بنیاد استوار بود: ناسیونالیزم، سوسیالیزم و اسلام. از نظر نظام سیاسی، افغانستان در این دور، نوعی از نظام صدارتی را تجربه می کرد اما با این تفاوت که داود خود هم رئیس دولت بود و هم صدراعظم.

در لویه جرگهٔ فرمایشی داود خان، به وکلا گفته شده بود که جز از داود خان از هیچ کس دیگری نباید نام برده شود. وقتی در آغاز کار، اشخاصی برای ریاست لویه جرگه تقاضای کاندید شدن کردند، بعضی از وکلا بحدی از همه جا بی خبر بودند که حتی دستور را نیز غلط فهمیده بودند و شروع به داد وفریاد کردند که ما هیچ فردی جز داود خان را بعنوان کاندید نمی پذیریم. او باید مادام العمر رئیس دولت باشد و بعد از او پسرش!

به این دسته وکلا فورا فهمانده شد که این حرف ها را بعدا باید بزنند نه حالا، و به این ترتیب غایله خوابانده شد! داود خان بعنوان یگانه کاندید در این شورا به اتفاق آرا به ریاست جمهوری و صدارت افغانستان انتخاب گردید و همهٔ وکلا به این باور بودند که در شرایط فعلی هیچکس جز داود، قادر به اجرای این کار نیست.

> **در مادهٔ شستم آمده است که رئیس جمهور در برابر ملت مسوول می باشد اما در هیچ جا نیامده است که ملت این حق را چگونه اعمال می کند.**

ص۷

مسودهٔ قانون اساسی، دیدگاه ها و نظریات

دجمهوری ریاستی نظام په باب غبرگونونه

.دعقرب په ۱۶دصبح بخير افغانستان راديو دپښتوڅانګې اديتور عبدالمالك عاصم په چلونه دګردي ميز په پرګرام کي دجمهور رئيس دواکونو او پارلمان نوي اساسي قانون دمسودې په باب داساسي قانون دکميسيون غړي قاضي محمد امين وقاد، دکابل پوهنتون دحقوقو پوهنځي استاد ګل رحمن قاضي او دجمعيت اسلامي افغانستان غړي واقف حکيمي برخه اخيستي وه چي موږ ددې خبرو اترو وړانديز درنو لوستونکو ته ګټور بولو.

لومړي قاضي محمد امين وقاد ددي پوښتني په ځواب کي چي جمهوري رياستي نظام موڅنګه غوره کړي له يوې مقدمې وروسته وويل:

مونږ جمهوري نظام غوره کړي بيا په جمهوري نظام کي دايو سيستم دي چي رياستي وي ترڅنګه ئي صدر اعظم نه وي يو ياڅو مرستيالان لري او هغه له رئيس جمهور سره يوځاي کانديديږي خپل معاون به ئي مخکي معرفي کړي وي او دهغه له کاميابي سره ئي معاون هم کامياب ګڼل کيږي دصدارت اټکل مو په کي نه دي کړي

وينـدوي: کـوم مهـم پـايـټ و چي لـه پارلماني او دمختلط نظام نـه مهم او ياشه امتياز ئي درلود چي تاسو رياستي نظام غوره کړ؟

وقـاد: دجمهوريت امتياز خو دادي دخلکو واکمن بايد دخلکو په رايه وټاکل شي رياستي امتياز دادي چي په افغانستان کي انقلاب تير شوي دلته ګوندونه دي دلته قومونه دي دلته فعلا تکليفونه تفاوتونه محروميتونه ډير مشکلات وجود لري چي دهغو په نظر کي نيولو سره موږ دوه مراجع دقدرت منځ ته نه دي راوړي چي يو رياست ددولت اوسيږي او ترڅنګ ئي صدارت وي بلکه يوازي رياست د دولت دي چي هغه دمعاون له لاري خپله دکابيني سرپرستي او اداره کوي ترڅو دملك پراجراتو کي چټکتيا راشي. او ملك دغسي يوسياسي نزاکت سره مخ نه شي چي دسرعت عمل او دقاطعيت مخه په کي ونيول شي او داملك ديوبل بحران سره مخامخ شي.

وينـدوي: واقـف صـاحب تاسـو دافغانستان په اوسني شرايطو کي جمهوري پارلماني غوره بـولي او که جمهوري رياستي نظام؟

واقـف حکيمـي : مونږ په وار وار خپل نظر په ليکنو او خبرو کي ښکاره کړي چي په دي اوسنيو شرايطو کي افغانستان ته ديو پارلماني جمهوري نظام ضرورت دي. او ددي منطق هم دادئ لکه څنګه چي جناب قاضي محمد امين وقاد صاحب هغه ته اشاره وکړه دافغانستان دشاهي مشروطه او نورو نظامونو مرحله تيره شوي اما خبره داده چي دقانون اساسي دتدقيق او تسويد کميسيون چي يورياستي نظام غوره کړي په دي دليل چي نور نظامونه لکه پارلماني نظام او صدارتي نظام ملك له بحران سره مخامخ کوي. زه برعکس داسي فکر کوم چي دقدرت ټول واك په يولاس کي وي او اوامر ټول له يوي خولي څخه صادر شي او لکه چي قاضي صاحب اشاره وکړه نور ګوندونه او قشرونه دملك په حاکميت کي شريك ونه بولي زه فکر کوم داپخپله دبحران سبب ګرځي

او بل زمونږ پارلماني نظام غوره دي منطق ئي هم د ديموکراسي پر بنياد ولاړ دي ديموکراسي همدا ده چي بايد دافغانستان نظام دنړۍ دنورو ملکونو په څير ديموکراتيك نظام وي او په افغانستان کي دپارلماني نظام ښه تمثيل ديو ديموکراتيك نظام کولي شي چي دلته واقعاً واك دخلکو لخوا دخلکو په لاس کي وي نه ديوکس په لاس کي ، په ډير احتمال سره کيداي شي رياستي نظام په يو استبدادي نظام بدل شي ممکن دا اعتراض به وي چي ډير ديموکراتيك ملکونه په نړۍ کي شته چي دديکتاتوري دمنځته راتلو مخه ئي نيولي ده لکه امريکا او نور. اما افغانستان خاګري شرايط لري خپل خان ته يو اوږد استبدادي تاريخ لري داټول ټکي ددي سبب کيداي شي چي افغانستان دنورو شرقي ملکونو په څير په يواستبدادي نظام بدل شي او رئيس جمهور خان بيا تلپاتي اعلان کړي

خيني چي دمرګ وخت ئي را نږدي شي خپل زامن رئيس جمهور انتخابوي حال داچي هلته پارلمان هم شته دوي قانون اساسي هم لري دا شرايط په دي قانون اساسي کي شته يوتن دوه ځله خپل ځان نه شي کانديدولي.

وينـدوي: واقـف صـاحب تاسـو لکه چي دوقاد صاحب نظرونه وا وريدل وقاد صاحب مهمه موضوع دلته دا وښودله چي په اوسنيو شرايطو کي حالات او امکانات دي ته نه دي اماده او داسي ازاد ګوندونه نشته چي هغه په ريښتيا هم سياسي ګوندونه وي يعني هغوي شايد له نظامي زور نه کار په کي واخلي تاسو څه ويل غواړي؟

واقـف حکيمـي : ريښتيا پارلماني نظام او مترقي پارلماني نظام منظم ګوندونو ته ضرورت لري چي بالانضباط او مطرح شوي ګوندونه بايد په يوه ټولنه کي وي اما داسي پارلماني نظامونه هم شته کله احزاب غير قانوني اعلان کيدل خو پارلمان جوړيدل. دمثال په توګه دپاکستان پخواني جمهور رئيس ضياء الحق داسي انتخابات ترسره کړل.

مبارزاتي انتخابات د اساسي مطلب په دموکراتيك او پارلماني نظام دادي چي دخلکو نمايندګان پارلمان ته راشي نه داحزابو نمايندګان، کيداي شي دانمايندګان داحزابو نمايندګان هم وي چي داحزابو دبرنامي او پاليسي له کبله دخلکو له خوا ټاکل شوي وي

پارلماني نظام لکه چي استاد ګل رحمان قاضي صاحب وويل واك نه بيليدونکي يوتماميت دئ يو واحد دي اما دا واك دخلکو په لاس کي بايد وي

په اوسنيو شرايطو کي لکه چي قاضي صاحب وقاد وويل دګوندونو دنشتوالي له کبله که پارلماني نظام په افغانستان کي غوره نه وي خپلواك ريفرندم چي خلك رئيس جمهور وټاکي څنګه زمينه پدي شرايطوکي برابره ده؟ نه يوازي په افغانستان بلکه په نورو ملکونو لکه ترکيه، فرانسي کي مختلط نظام وي مګر دانظامونه نه واني چي موږ ديموکراتيك نظامونه لرو رئيس جمهور هم لري صدر اعظم هم لري خيني دواك اجرائي مسائل درئيس جمهور له خوا صادريږي او خيني دصدر اعظم لخوا تر سره کيږي اما داقانون اساسي ډير مسائل لري خصوصاً درئيس جمهور په باب زه په دي هکله نه غږيږم چي رئيس جمهور به څوك وي دکوم قوم به وي دکوم حزب به وي دکوم سياسي او فکري جريان له خوا به وي اما دقانون اساسي تطبيق او نظارت په ديموکراتيك نظامونوکي د رئيس جمهور له صلاحيتونو نه دي اوهمداسي تعيين دملك داساسي خطوطوپاليسي. اما په دي مسوده کي داټولي مسالي بايد درئيس جمهور له خوا وي.

دستري محکمي رئيس بايد د رئيس جمهور له خوا وټاکل شي حالانکه مثلاً دستري محکمي رئيس په امريکا کي دديوان عالي لخوا ټاکل کيږي او نظارت دقانون اساسي هم د ديوان عالي لخوا کيږي حال داچي په دي مسوده کي رئيس جمهور د ستري محکمي رئيس ټاکي رئيس جمهور دقانون اساسي دتطبيق نظارت کوي.

ويندوي: وقـاد صاحب دواقف صـاحب لـه خبرونـه داسي معلوميږي چي جمهور رئيس ته زيات واکونه ورکول شوي دي له پارلمان ياملي شوري نه، تاسو په دي اړه څه واياست لکه ده چي ورته اشاره وکړله چي هغه غواړي د دولت مهمه پاليسي وټاکي دستري محکمي رئيس وټاکي او هغه فکر کوم داولسي جرګي په تائيد باندي ده.

وقـــاد: بلـي دواقـف صـاحب ملاحظات قابل قدر دي عرض دادي چي رئيس جمهور سره داصلاحيتونه په اسلامي لحاظ هم په دي کي شته دئ چي قاضي هلته قاضي جوړيدلي شي چي دملك لمړني شخص رئيس جمهور هغه وټاکي

هغه نه سوا قاضي. قاضي نه شي جوړيدلي څکه قاضي دهغي نائب دي له دي وجي نه دافغانستان په قوانينو کي دولسوالي دقاضي منظوري او عزل هم درئيس جمهور له خوا کيږي چي پخوا دپاچاه پوري مربوط و دا کار داسلام له نظره ښه دي او دنيا کي هم تعامل هم دادئ دلته هم داسي قيد شوي دي چي دستري محکمي دغړو او ديوانونو غړي رئيس جمهور غوره کوي دولسي جرګي تائيد په کي اخلي بيا

يو له هغوي نه رئيس ټاکي همدارنګه دوي ټاکي او بيا دولسي جرګي تائيد په کي اخيستل کيږي دخارجي سياست دپاره هم جمهور رئيس خطوط وضع کوي او پخوا به داوه چي دصدارت په دورو کي به صدر اعظم دپاليسي او دکابيني تعارف دواړه پارلمان ته کولو دهغي تائيد به ئي اخيستلو اوس هم رئيس جمهور په دي کي دپارلمان دنظر مراعاتول غواړي دا په کي ضروري خبره ده. دتعديل صلاحيت درئيس جمهور سره نه دي دپارلمان سره نه دي له ولسي جرګه ملي شوري چي مشرانو جرګه او ولسي جرګه په کي دواړه يوځاي کيږي که قانون کي دکومي مادي تعديل باندي يوثلث ئي پيشنهاد او دوه ثلثه وربانـدي راي ورکړي نو دتعديل لپاره به لويه جرګه راغوښتل کيږي داپه دي قانون کي صلاحيت د دواړو مجلسونو هم نه دي مشرانو جرګه او ولسي جرګه دواړو ته شورا واني. ملي شورا کي که دتعديل پيشنهاد وشو او ضرورت محسوس شو نو دي تعديل لپاره لويه جرګه راغوښتل کيږي چي دملت نمايندګان په کي حضور پيدا کړي يعني توازن په کي ساتل شوي دي دپارلمان او درئيس جمهور نه دپارلمان دانحلال صلاحيت اخيستل شوي دي او پارلمان که چيرته رئيس جمهور نه کوم جرم او جنايت وشي او يو ثلث ئي پيشنهاد وکړي او دوه ثلثه ئي تائيد کړي دهغه دمحاکمي لپاره لويه جرګه راغوښتل کيږي.

واقـف حکيمـي: زه يو پوښتنه لرم په دي وخت کي لويه جرګه څوك رابولي؟

قاضـي وقـاد: دلوي جرګي غړي پخوا معمول و اوس دفارمول له مخي معلوم دي دمشرانو جرګي غړي دولسي جرګي غړي دولايت دشوري رئيس دولسوالي دشوري رئيس.

واقـف حکيمـي: اما لويه جرګه په دي مسوده کي درئيس جمهور له خوا بلل کيږي

قاضـي وقـاد: په هغه صورت کي چي رئيس جمهور محکوم وي فيصله ئي ملي شوري کوي ؟

نو بيا دسره دلوئي جرګي دراغوښتلو صلاحيت نشته يعني که دپارلمان له خوا رئيس جمهور محاکمه کيږي بيا دلوئي جرګي دراغوښتلو صلاحيت نه لري تعديل هم که راځي صلاحيت ئي او فيصله ئي ددولتي جرګي لخوا کيږي.

ويندوي: وقاد صاحب په نورو اضطراري حالاتو کي که جمهور رئيس اعلانوي لويه جرګه راغواړي هغه بيا دده صلاحيت دي؟

قاضـي وقـاد: هغه هم په قانون کي ښودل شوي دي چي کوم حالت کي دملك تماميت ارضي په خطر کي شولو استقلال ئي په خطر کي شولو داسي مسالي ښودل شوي نو لويه جرګه راغواړي دلوي جرګي غړيي اتومات معلوم دي مشرانو جرګه ولسي جرګه دولايتي شوري مشر دولسواليو دشوري ګانومشران يعني دهري ولسوالي نه يو نماينده راځي او دهر ولايت نه يو نماينده راځي جمع شي ملي شوري او له دوي نه مشرانو جرګه جوړيږي.

ويندوي: استاد صاحب ګل رحمن قاضي تاسو څرنګه بولي دغه توازن دجمهور رئيس او پارلمان تر منځ؟

استاد ګل رحمن قاضي: زه محترم قاضي صاحب وقاد ته دزړه له کومي احترام لرم دايو واقعيت دي خو کوم شي چي دلته دوي مهرباني کوي هغه دغه مسوده ده چي کميسيون پري کار کړي دحقوقي لحاظه اصلاً دديمکراسي يوه وجه تفکيك د قواو دي او د تفکيك دقواو افاده داده چي دا دري قواوي يوله بله سره کنترول کړاي شي او که چري يوه قوا په دوه نورو باندي حاکم وي هلته خپله وجه ددموکراسي نقض کيږي اوس چي مونږ حکومت جوړکړو ګورو چي قوه اجرائيه ده د حکومت رئيس څوك دي دحکومت رئيس رئيس دولت دي دا ښيي چي نسبت دوو قواو ته تقريباً زيات صلاحيت لري نو دا چي زيات صلاحيت لري

۵مخ

برگردان به شعر دری: دکتر عبدالغفور روان فرهادی

رابیندرنات تاگور

همی دانم که دلتنگی!
شده در خواب چشمانت
دلاور باش وبرپاخیز
اگر چه خار بسیار است
لاکن در میان خارهای تیز
اگر جویی -یقین می کن
رهاکن خواب غفلت را
دو چشم خویشتن بکشا
غنیمت دان تو فرصت را
که در پایان این راه پر از سختی
بپیمودی چو دشت سنگلاخ، آنگاه
رسی در سر زمین سبز جان افزا
که پاکیزه ست وخاموش است و نا آلوده،
چون آنجا رسی،
آنگه به پیش یار خود،
آن دلبر مهروی دریابی!
مباد آنگه بماند چشم بر ره
یار جان تو
مشو نومید، در راهت
اگرچه هم
زگرمای توانفرسای سوزان
می بلرزد لاجورد آسمان
اگرچه وسعت تفتیده
بگسترده ست
بهرگامت، شود همره، مددگارت
طنین دلنواز تار درد او
که از سوزش همه ژرفای جان تو

فلک کج مدار

مخفی بدخشی

گردید حساب راحت و شد در شمار رنج
تقسیم ماست زین فلک کج مدار رنج
هرشب هزار غم رسد هر صبح صد ستم
چون من ندیده هیچ کس از روزگار رنج
بی رنج وغم فرو نبرم آب در گلو
زاحسان ماست بس خجل وشرمسار رنج
ای دل شباب رفت و نچیدی گل مراد
اندر خزان کس که بدید از بهار رنج
رحمی بحال زار من ناتوان بکن
تاکی کشم زهجر تو ای گلعذار رنج
وصلی که با تو غیر بود همنشین مرا
بهتر که در فراق کشم صد هزار رنج
'مخفی' چو نوش ونیش جهان درگذر بود
غمخوار خالق است تو خود را مدار رنج

ای شب

علی اسفندیاری (نیما)

هان ای شب شوم وحشت انگیز
تاچند زنی به جانم آتش
یا چشم مرا زجای برکن
یا پرده زروی خود فروکش
آنجا که زشاخ گل فرو ریخت
آنجا که بگوفت باد بر در
وآنجا که بریخت آب مواج
تابید بر او مهء منور
بگذار فرو بگیردم خواب
کز هر طرفی همی وزد باد
وقتی شب خوش وزمانه خاموش
مرغ سحری کشید فریاد
مگذار به خواب اندر آیم
کز شومی گردش زمانه
یکدم کمتر به یاد آرم
وآزاد شوم زهر فسانه

مقولۀ ریزه گرایی و ریزه گرایی در ادبیات

رهنورد زریاب

در شمارۀ پنجم فصلنامۀ «صدف» نبشتۀ سودمندی خواندم از خامۀ سخنور خوب مان، صبورالله سیاه سنگ، که عنوان «کوتاه سرایی وجلوه های آن» را داشت. در همان هنگام، برآن شدم تاجمله یی چند در بارۀ پدیدۀ مینی مالیزم (Minimalism)- که من آن را در زبان دری «ریزه گرایی» می گویم- روی کاغذ آوردم وبرای چاپ در «صدف» بفرستم: اما، کارهای دیگری پیش آمدند ومن از آن مهم بازماندم.(۱)

در این آخرها، دوست دیرینه ام، حسن قسیم - که در جاپان زندگی می کند- در یکی از نامه هایش، نکته های دلکشی در بارۀ «تانکه» های جاپانی نوشته بود. نامۀ جالب حسن قسیم، بار دیگر، مرا به یاد نبشتۀ سیاه سنگ ومقولۀ مینی مالیزم انداخت وبرآن شدم تا در بارۀ مدلول کلی این مقوله وزمینه های کار برد آن- به ویژه در عرصۀ ادبیات- چند سطری بنویسم تابردامان «صدف» جای گیرند وباشد که اندک روشنگر افتند وبرپاره یی از پرسش ها، پاسخی بشوند.

هرچند سیاه سنگ، در نبشتۀ خودش، از مقولۀ مینی مالیزم نامی نبرده است ونیز تعریف روشنی از «کوتاه سرایی» به دست نداده است، بااین هم- با نظر داشت مثال ها ونمونه هایی که آورده است- خوانندۀ آگاه بدین نتیجه می تواند رسید که منظور نویسنده از کاربرد مقولۀ «کوتاه سرایی» همین مینی مالیزم بوده است که من آن را- همان گونه که گفتم- به «ریزه گرایی» تعبیر کرده ام واین تعبیر، در اقلیم ادبیات، گونه یی از پردازش آدمی را به انواع وپدیده های کوچک، ساده، فشرده، بی شاخ وبرگ وکوتاه ادبی می رساند. روشن است که ریزه گرایی ادبی، در قلمرو شعر وکلام منظوم، محدود ومحصور نمی ماند وبه زمینه های نثر وپدیده های منثور نیز می رسد.

مقولۀ مینی مالیزم، از رهگذر لغوی، از دوجزء ساخته شده است که این دوجزء، همانا Minimum «کمترین، کوچکترین» وIsm «پسوندی که اسم معنا می سازد» هستند. ونیز ریشه های این دو واژه را در زبان های یونانی ولاتین سراغ می توان کرد(۲). پس بانظر داشت معنای سادۀ این واژه ها، مینی مالیزم را می شود به رویکرد وگرایش آدمی به کوچکترین، ساده ترین، کمترین وکوتاه ترین پدیده ها- از هرنوعی که باشند- تعبیر کرد. امروز، در زبان انگریزی، مینی مالیست به کسی هم گفته می شود که از برآورده شدن اندکترین خواسته های خودش خرسند باشد(۳).

ریزه گرایی، در واقع، فرآورده وحاصل کارکرد های ذهن وسلیقه وروان پراز تضاد آدمیان بوده است. یعنی همان گونه که آدمی- در زمینه های گونه گون- به پدیده های بزرگ، گسترده، پیچیده وپر از شاخ وبرگ دلبستگی دارد، به نمودهای بسیار ریزه، فشرده، ساده وکوتاه نیز علاقمند است. به سخن دیگر، ذره وخورشید هردو، آدمی را به سوی خودشان می کشانند. ودر نتیجه، می بینیم که آدمی از یک سو، اهرام کوه پیکر را در مصر باستان برپا می کند وپیکره های بزرگ بودا را در بامیان می تراشد واز سوی دیگر، به میناتو ی ها یاریزه گرایی ها نیز روی می آورد ودر این عرصه هم اثرها می افریند وبه یادگار می گذارد(۴).

به همین سان، گواه آن بوده ایم که آدمی، از یک سوبه کیهان بیکرانه می پردازد واز سوی دیگر، به اسطقس های چارگانۀ جهان مادی راه می برد ناماده های نخستین ساختمان جهان را شناخته باشد.

این جاذبه وکشش متضاد را، در همه زمینه هایی که آدمی خود آن ها را آفریده است ویا با آن زمینه ها سروکاری داشته است، می توان باآسانی مشاهده کرد و- لابد- ادبیات را نیز، یکی از این زمینه ها می شود به شمار آورد. به گونۀ مثال، در ادبیات زبان دری- از رهگذر چندی- اگر مثنوی ها وقصیده های بسیار طویل ومفصل وپرواژه را داریم، در کنار آن ها، دوبیتی ها ورباعی ها وقطعه ها را نیز می بینیم که سخت فشرده، مختصر وکم واژه هستند. به همین گونه - از رهگذر چونی- اگر ریزه پردازی ها ومفصل گویی های فردوسی وار ونظامی وار را گواه هستیم. در پهلوی آن ها، کلیه پردازی ها وایجاز آفرینی های گلستانی سعدی وار ولطیف های طنز آمیز زاکانی وار را نیز سراغ داریم.

روی همرفته، به نظر می رسد که خاستگاه ریزه گرایی در ادبیات- چه در شعر، چه در نثر مسجع وچه در نثر ساده- خاور زمین بوده است. ونیز، شاید بتوان رد پای نخستین نمونه های این گونه آفریده های ادبی را، در هندو چین وخاور دور- به ویژه جاپان- سراغ کرد.

در جاپان، تانکه(Tanka) از کهن ترین نمونه های چنین آفریده های ادبی است(۵). تانکه ها سروده هایی هستند بسیار ساده وفشرده وکوتاه. چنان که سراپای یک تانکه، تنها از سی ویک هجا ساخته شده است(۶). سیاه سنگ به جای مقولۀ هجا، مقولۀ «آوا- نماد» را- در پیوند باهایکو های جاپانی- به کار برده است. هرچند او روشن نمی سازد که این مقولۀ «آوا- نماد» ساختۀ خود اوست یااز کسی دیگری، بااین هم وبانظر داشت ویژگی های زبان جاپانی- که زبانی است التصاقی-(۷) این مقولۀ «آوا- نماد» بیشتر بردل می نشیند.

ادامه دارد

زسرزمین سپیده

عزیز الله آریافر

زسرزمین سپید سپیده می آیی
حصار کهنه ی شب را دریده می آیی
نهفته دردل گرم تو راز روز شدن
که خوشه خوشه ی خورشید چیده می آیی
سفیر نور به هرسوی وهر دیار تویی
وبرتمامت هستی دمیده می آیی
شهادت گل سرخ بهار را مانی
به خون دشت شقایق تپیده می آیی
به فصل زرد وفصل سکوت آزادی
چنان بلند چو سروی رسیده می آیی
چو دختران فروزنده ساق وسیمین بر
به چشم می نشینی و به دیده می آیی
چه بیدریغ، چه بی انتهاست طلعت تو
که تار مهر به هر جا تنیده می آیی
خوشا به مقدمت ای پاک! ای طلایه ی صبح
که برگشایش جانم دویده می آیی

مسودۀ قانون اساسی، دیدگاه ها و نظریات

ملاحظاتی بر مسودۀ قانون اساسی ۲

پیوسته به گذشته

سید عبدالله فرامرز

هرچند داشتن تابعیت دوگانه در برخی موارد، برای عده یی از افراد یک امتیاز پنداشته می شود و کسانی هم که هنگام اقامت درکشورهای میزبان تابعیت آن کشورها را پذیرفته اند، در واقع جرمی مرتکب نشده اند و بنابران نباید مورد ملامت و سرزنش باشند.

مطابق احکام قانون این گونه مردم هنگام مراجعت به سرزمین اصلی خویش باید دارای امتیازات و حقوق مشابه با سایر هموطنان باشند و نباید به دلیل داشتن تابعیت دوگانه نسبت به آنان ظلم و یا اجحافی به عمل آید.

اما در مواردی که مسألهٔ احراز یک مقام رسمی، به طور مثال پست های کلیدی، مانند وزارت یا مشاغل همسطح آن مطرح باشد، به باور صاحب این قلم، سهل انگاری در برابر آن، همسنگ ارتکاب خیانت به منافع ملی وزیر پاگذاشتن نوامیس و ارزشهای فرهنگ وتاریخ یک کشور است.

اعضای محترم شورای بزرگ (لویه جرگه) باید به درج این قید در قانون، التزام و تعهدی دور اندیشانه داشته و فروگذاشت در این باب را به هیچ صورتی نپذیرند.

همزمان، این نکتهٔ مهم نیز قابل دقت و تامل است که برای کاندیدای پست وزارت، داشتن تحصیلات عالی در مادهٔ هفتادو دوم درج و تاکید گردد. و صرف آوردن این تعبیر که وزیر دارای تحصیل باشد کافی نیست. به جای تحصیلات مطلق، تحصیلات عالی بیاید.

در مادهٔ هفتادو چهارم، در متن تحلیفی که وزیر باید در برابر رئیس جمهور بجا آورد، تعبیری مبهم "حمایت از دین مقدس اسلام" آمده است. کلمهٔ حمایت از دین به پیروی واطاعت از دین تعدیل گردد. چه، حمایت، افادهٔ بی آزار و کم مسؤولیت دارد، هرکسی می تواند مدعی باشد که من حامی دین می باشم، در حالی که الزامی به اطاعت از دستور های دینی نداشته باشد.

وزیر، مطابق احکام قانون باید به اطاعت وپیروی از دین ملزم باشد. در غیر این صورت بنا بر ضرورت وبا توجه به حساسیت لحظه های موجود کابینهٔ دولت آینده، عرصهٔ کشمکش میان سکولاریسم از یک طرف و مخالفان آن از جانب دیگر خواهد شد.

در مادهٔ هفتاد وپنجم در فهرست وظایف حکومت هیچ فقره یی در باب تأمین شرایط کار بهتر وفراهم آوری زمینهٔ کار عادلانه برای کارمندان دولت وجود ندارد.

در شمارهٔ هفت فقره یی مندرج در متن مادهٔ هفتادو پنج، متنی به این شرح افزوده گردد:

- تأمین شرایط عادلانهٔ کار برای شهروندان ومبارزهٔ سالم در جهت فقرزدایی، وارتقای سطح معیشت کارمندان دولت یا وضع قوانین ومقرره ها به منظور حمایت مادی و معنوی دانشمندان، واهل فن و تخصص،

لازم به یاد آوری است که نبود دستور صریح در متن قانون اساسی در این زمینه ومحول ساختن پاره یی از مسائل به قوانین فرعی که گویا بعداً تنظیم و نافذ خواهد شد، به گونه یی شانه خالی کردن وگریز از مسؤولیت تلقی می گردد.

در مادهٔ هفتادو سوم در فقرهٔ مربوط به قانون انتخابات، تأکید بر این که از هر ولایت باید یک زن، وکیل در مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) باشد، خلاف روح عدالت و دموکراسی به نظر می آید.

کافی است این تأکید وجود داشته باشد که هر مرد و زن ملت که واجد شرایط انتخاب شدن باشند، بلا مانع می توانند خود را غرض احراز مقام وکالت کاندید نموده ورای ملت را به دست آورند.

نا گفته پیداست که تاکید اضافی بر موضوعی که در ظاهر امر دفاع از قشر زنان را در بردارد، تحریک نخواسته وغیر طبیعی را در پی دارد و می تواند مورد بهره برداری های سیاسی باشد، بهره برداری هایی که به هیچ وجهی نه به سود زنان است و نه به نفع مردان.

در کشوری عقب نگهداشته شده مثل افغانستان که لبریز هیجان واحساسات ناشی از شرایط جنگ وغرق تعصبات گروهی وفرقه یی گردیده است، همین کافی است که حقوق همه شهروندان، اعم از مرد ویا زن مطابق احکام قانون تضمین گردیده وضمانت اجرایی می یابد ورنه با تأکیدات خلاف واقعیت وصرفاً شعار گونه و سیاسی کار بجایی نخواهد رسید.

وقتی برخورد با حقایق وواقعیت های اجتماعی، قانونمند وواقع بینانه باشد، می توان گفت: هیچ نوع تبعیض و اجحافی نسبت به هیچ قشری از اقشار جامعه و نسبت به هیچ فردی از افراد ملت صورت نخواهد گرفت و توجه باید داشت که این داعیه ها نیازمند رشد و توسعهٔ همه جانبه ومتوازن کشور است و این امری نیست که صرفاً باوضع یک قانون اساسی، بتوانیم به آن دست یابیم.

به صراحت باید گفت که قانون اساسی ما هرچند کاملترین هم بوده باشد بی ضمانت اجرایی لازم و بی پشتوانهٔ لازم فرهنگی، سیاسی واقتصادی ره به هیچ مدینه یی فاصله نخواهد برد.

دربند سوم مادهٔ هشتادو چهارم، سخن از انتصاب یک ثلث اعضای مجلس اعیان (مشرانو جرگه) توسط رئیس جمهور رفته و تاکید شده است که یک ثلث باقی مانده از جملهٔ شخصیت های خبیر و یا تجربه به تعیین رئیس جمهور برای مدت پنج سال تعیین می شوند بر این بند مادهٔ هشتاد وچهارم چند ملاحظهٔ جدی وارد می آید: نخست این که مدت پنج سال برای اعضای انتصابی مجلس اعیان سوال بر انگیز است و آن بیشتر به این دلیل که مدت کار اعضای انتخابی این شورا برای وکلای ولایات چهار سال وبرای واحدهای اداری ولایات وولسوالی ها سه سال تعیین گردیده است و دوم این که یک ثلث وکلا که از جانب رئیس جمهور منسوب می شوند رقم بالایی به شمار می رود و در برخی موارد می تواند اسباب اعمال نفوذ بر مجلس اعیان را در پی داشته باشد، نفوذی که شاید رئیس جمهور بخواهد آن را در موارد خاص به کار گیرد.

ادامه دارد

دجمهوري رياستي نظام ...

په وجود درئيس جمهور كي چي دوي په راس كي دي څكه رئيس جمهور خپله قوه اجرائيه تمثيلوي ممثل دقوه اجرائيه هغه څوك دي چي په راس د قوه اجرائيه كي واقع دي په راس دقوه اجرائيه كي رئيس جمهور واقع دي. پس دا خپله ثابته موضوع ده چي قوه اجرائيه امتيازات زيات لري بلكه زيات حاكميت لري نسبت دقوه تقنينيه او قوه قضائيه ته

وينډوي: په دي ځاي كي فكر كوم معلوميږي چي دستري محكمي رئيس هم د اجرائيه قوي لخوا ټاكل كيږي هدف مو دادي چي جمهور رئيس لخوا نه ټاكل كيږي؟

استاد ګل الرحمن قاضي: دلته تاسو پخپله وګوري چي خپله رئيس جمهور رئيس دقوي قضائيه ټاكي او رئيس جمهور پخپله دقوي اجرائيه رئيس هم دي ما ته دا ده چي قوه اجرائيه كوم شي چي رئيس دقوه قضائيه وټاكي وقتي چي سر نوشت دقوي قضائيه قوه اجرائيه وټاكي نو طبعاً معلومه خبره ده قوه قضائيه تابع دقوه اجرائيه ده يعني تفكيك دقوا په منطقي شكل باندي چي قانون پوهانو ورباندي فكر كري تراوسه پوري په دنيا كي كوشش كيږي چي داتوازن وساتل شي. په دي مسودي كي په پام كي نيول شوي دي

قاضي وقاد: دقاضي صاحب دخبرو په ارتباط به دا عرض وكړو چي دا درسته ده چي دستري محكمي رئيس په نهايت كي درئيس جمهور لخوا ټاكل كيږي او رئيس جمهور په دي قانون كي چي په افغانستان كي اوس غوره شوي دي داجرائي قوي په راس كي هم واقع دي دلته هغه صلاحيتونه چي حكومت ته وركول شوي هغه ق لري له هغو صلاحيتونو نه چي رئيس جمهور ته وركړل شوي د ه نهايت كي دملك په سطحه دټولو اموراتو مسوول رئيس جمهور دی ه پارلمان څه كوي كه قضايي قوه څه كوي كه حكومت څه كوي دحكومت صلاحيتونه او وظايف دحكومت تر نامه لاندي بيل د د رئيس جمهور له خوا نه دغه قاضيان چي ټاكل كيږي دلسو كالو لپاره چي يو رئيس جمهور هم په دي منځ كي چانس هم نه لري يعني نوي راشي داغير دهغو خاصو حالاتو نه چي مرتكب دجرم شي ددي دعزل صلاحيت

بيا نشته او دي نه ددويم حلي ټاكني اختيار هم نشته چي دا كسان بيا وټاكل شي دا په دي نزاكت باندي كه دغه لس كسه چي ټاكل كيږي دبيا ټاكلو چانس په دوي كي وي كيدي شي دوي ددي تاثير لاندي راشي او درئيس جمهور سره هميشه يو قسم سازش او يا ددي نه متاثر وي دبيا ټاكني اميدوار وي دي قانون پيش بيني كړي ده چي دا خلك چي دلسو كالو لپاره ټاكل كيږي داپله دوره كي نه ټاكل كيږي.

وينډوي: واقف صاحب تاسو په كي څه وائي؟

واقف حكيمي: څنګه چي ما يو ځلي هغه مسوده ولوستله كه دستري محكمي له اعضاو نه يو څوك مړ شي يا بر طرفه شي بيا به رئيس جمهور هغه ټاكي -زما په اند لكه چي استاد قاضي صاحب ووېل يو اساسي ټكي د ديموكراتيكو نظامونو د قواو دتفكيك مسئله ده په دي صورت كي كيداي شي چي هغه جبران شي خاصتاً په افغانستان كي دستري محكمي اعضاء او دستري محكمي رئيس درئيس جمهور له خوا نامزد شي درئيس جمهور لخوا كانديد شي او پارلمان دي ته راي وركړي او نوري خبري چي داد دائمي لپاره دي چي ثابته جرم يي نه وي كړي عزل شوي نه وي دا خبره دستري محكمي لكه چي قاضي صاحب وقاد ووېل دا بالكل صحيح خبره ده چي داستقلاليت يوه غوره نمونه ده. ما پخوا ووېل ډير نور دبحث وړ مسائل و اما بايد ووايم موږ دافغانستان له شرايطو سره سم دموكراسي غواړو

زما په خيال ګوندونه هم كولي شي خپل خانونه انتخاباتو ته برابر كړي او له دي شرايطو سره خان برابر كړي

وينډوي: وقاد صاحب كه په لنډه راته وواياست اخير له دغي امتياز نه چي رئيس جمهور نشي كولاي پارلمان منحل اعلان كړي نور كوم مهم صلاحيت پارلمان ته وركول شوي دي؟

قاضي وقاد: دا خو پوهيږي چي حكومت هم څني لوايح وضع كړي پارلمان ته څي او بودجه هم پارلمان منظوروي. دكابيني تائيد هم پارلمان كوي دستري محكمي دغړو تائيد هم پارلمان كوي دمملكت د اداري سيستم تشكيلات ولايتونه كميږي زياتيږي مد غميږي دولسواليو د اداري تشكيلاتو منظوري دا پارلمان پوري اړه لري

وينډوي: فكر نه كوي مثلاً كه رئيس جمهور مهم پوستونو باندي يا كابيني كي خپل وزيران ټاكي يا په بهر كي سفيران ټاكي يا دستري محكمي مشر ټاكي هغه به داسي كسان ورته انتخابوي چي هغه به يا ده پوري اړه ولري يا به دده خپل كسان وي ولي دتائيد لپاره به ئي ولسي جركي يا ملي شوري ته وړاندي كوي؟

قاضي وقاد: موږ مطمئين يو چي كابينه كي هم چي كوم خلك غوره كيږي دملك تركيبات، دملك تشكيلات، دګوندونو تشكيلات، دشخصيتونو شخصيت داټول په هر صورت باندي په نظر كي نيول كيږي

اساسي قانون او په ټولنه کې دقدرت د ویش مساله

سليمانخيل

تر ډير خنډ وروسته د اساسي قانون مسوده د رواني مياشتي پر دولسمه اعلان شوه او د باخبرو سرچينو په وينا له شروع نه تر اعلانيدو پوري ډيري ګوتي په كي وهل شوي دي. خو بيا هم دايو نيك كار و او په هيواد كي ديوه ملي نظام جوړولو لپاره لومړي خاكه ګڼل كيږي

د دولت رئيس د تير كال د لړم پر دولسمه د اساسي قانون د مسودي تيارولو لپاره نهه كسيز كميسيون وټاكه . چي دې كميسيون د سږني كال په حمل كي كار بشپړ كړ او لازمه وه چي پر مسودي خلكو خپل نظريات څرګند كړي واي او بيا وريسي د تصويب لپاره د ميزان په لومړيو كي لويه جرګه رابلل شوي واي. مګر داسي ونه شو او دځينو دلايلو له مخي دتدقيق په نامه يوبل ۳۵كسيز كميسيون جوړ شو چي دمسودي متن يوځل بياولولي

دتيري جوزا پر اتلسمه د دولت رئيس په يورسمي محفل كي دتدقيق دكميسيون هيئتونه ولاياتو او له هيواده بهر واستول، او پوښتليكونه همه ورسره وو. چي داساسي قانون په باب دخلكو نظريات راټول كړي په داسي حال كي چي خلك دمسودي له متنه بي خبره و خوكميسيون خپل كارته دوام وركړ او نظريات يي راټول كړل. چي بيا كميسيون دټولو دروازو شاته په تيره مسوده كي دخلكو دغوښتنو

تر ډير خنډ وروسته د اساسي قانون مسوده د رواني مياشتي پر دولسمه اعلان شوه او د باخبرو سرچينو په وينا له شروع نه تر اعلانيدو پوري ډيري ګوتي په كي وهل شوي دي، خو بيا هم دايو نيك كار و او په هيواد كي ديوه ملي نظام جوړولو لپاره لومړي خاكه ګڼل كيږي

له مخي بدلونونه رامنځ ته كړل او وروستي مسوده يي په سنبلي كي د دولت رئيس ته وسپارله.

اوس دملت وار دي. چي په دقت سره داساسي قانون مادي وڅيري او خپل نظريات وړاندي كړي. جمعيت اسلامي افغانستان هم په خپل نوبت سره داساسي قانون پرځينو موادو نيوكي لري. چي دمجاهد جريدي او هم دګردي ميزونو او مركو له لاري خوريږي

په را روانه لويه جرګه كي به داساسي قانون متن تصويب شي او له ټولو بهرنيو دوستانو او اسلامي انتقالي دولت نه غواړو چي داسي شرايط برابر كړي. چي غړي په دادہ زړه او له لاسوهنو پرته ملي وثيقه وڅيړي. نقدي كړي او بيا يي تصويب كړي

دا زموږ دوطن دتاريخ يو حساس پړاو دي. په دي پړاو كي لړه تيروتنه نه جبيره كيدونكي عواقب لري. نو څكه له نړيوالي ټولني او ټولو دوستانو هيله لرو. چي په اخلاص سره ديو داسي اساسي قانون دتصويب لپاره زموږ لاسنيوي وكړي. چي له قانوني پلوه په ټولنه كي دقدرت ويش په كي تضمين شوي وي. چي په دي عمل به دهر ډول استبداد مخه ونيول شي او وطن به مو دمادي او معنوي ابادي لوري ته مخه كړي

مسودهٔ قانون اساسی، دیدگاه ها و نظریات

جایگاه زبان وتعبیرات قانونی در مسودهٔ قانون اساسی

عبدالحمید هامی قاریزاده

بالآخره بعد از مدت ها انتظار، مسودهٔ قانون اساسی آیندهٔ افغانستان به نشر رسید وبه نظر خواهی گذاشته شد.

تسوید وتدقیق قانون، مراحل ساده، بی دغدغه وبی شایعه را پشت سر نگذاشته است.

در آغاز هنگامی که در ١٤میزان ۱۳۸۱کمیسیون تسوید قانون اساسی به اساس فرمان حامد کرزی رئیس دولت تحت ریاست نعمت الله شهرانی یکی از معاونان ریاست دولت ایجادگردید، باور همگانی براین بودکه مقامات دولتی در کار تسوید قانون، مداخله نخواهند کرد. برخی اقدامات مانند تدویر مجالس نظر خواهی وپخش پرسشنامه ها وسفر اعضای کمیسیون به ولایات وکشورهای همجوار ایران وپاکستان، نشان می داد که کمیسیون به آرای مردم در مورد انتخاب نوعیت نظام وسایر احکام قانون اساسی، بیشتر از هر مسأله یی دیگر ارج می گذارد. اما موجودیت برخی نواقص ونارسایی های مسوده، واضح ساخت که دولت انتقالی برخلاف انتظار عمومی، تلاش دارد تاقانونی مبتنی بر ارادهٔ دولت را تدوین نماید تاارادهٔ مردم.

برمبنای گزارشهای رسمی، از جمله یک میلیون نسخه پرسشنامهٔ توزیع شده، صرف صد هزار نسخهٔ آن جمع آوری گردیده است که میزان توجه را ده فیصد نشان می دهد. طرح سؤالات در پرسشنامه به شکلی بود که به هیچ صورت قابل استفاده در احصائیه گیری ها نبوده وبه عبارهٔ دیگر در واقع حیثیت یک وسیلهٔ سرگرم کننده را داشت.

به اساس معیارهایی که در احصائیه گیری و سنجش فیصدی نظریات در پیرامون مسائل وجود دارد، پرسشنامه های طرح شده در چنین موارد، بیشترینه بر سؤالاتی با چند انتخاب (Multiple Choice) وسوالاتی که با بلی و نه، پاسخ داده می شود، استوار می باشد. ولی پرسش نامهء قانون اساسی از همه ویژگی های احصائیه گیری عاری بود.

برمبنای گزارش های مطبوعات مستقل، کمیسیون تسوید و کمیسیون تدقیق که به تعقیب آن در (۳ ثور ۱۳۸۱) به وجود آمد، به مراتب تحت فشار و حتی نوعی بازپرسی مقامات دولتی قرار گرفته است. تدویر جلسات مشترک اعضای کمیسیون وکابینه بیانگر نوعی مداخلهء قوای اجرائیه در امور تقنینی می تواند به حساب آید.

بعد از آن که میعاد نشر مسودهء قانون در آخرین بار تعیین گردید، مدت دو هفتهء دیگر به عنوان فرصت اضافی تا نشر آن سپری گردید. مداخله در امر تسوید تدقیق قانون اساسی به حدی آفتابی گردید که حتی سخنگوی کمیسیون تدقیق از آن انکار ننموده و رسماً اعلام داشت که متن مسوده به ریاست دولت فرستاده شده و در آن جا تغییراتی در ان وارد گردیده است که بعد از ترجمه و برگردان به زبان های دری و پشتو به نشر سپرده می شود.

با وجود همه گزارش ها مبنی بر اعمال فشار و نفوذ هنوز هم این انتظار در برخی حلقات وجود داشت که مسودهء قانون اساسی، طرحی خواهد بود مبتنی بر آرا ونظریات وتوقعات عامه که اصول ومبانی دموکراسی و مردم سالاری در آن رعایت می گردد.

منابع دولتی به روز دو شنبه ۱۲ عقرب اعلام داشتند که کار تهیهء مسودهء قانون اساسی تکمیل گردیده و توسط رئیس آن کمیسیون به حامد کرزی رئیس دولت، سپرده شده است.

منابع خبری دولت و دفتر کمیسیون تدقیق قانون اساسی، به روز سه شنبه ۱۳ عقرب متن مسوده را به نشر سپردند که خلاف انتظار وتوقع نارسایی هایی زیاد در آن به ملاحظه می رسد.

با آن که موارد بحث بر انگیز در مسودهء قانون اساسی کم نیست و می تواند از حدود صلاحیت رئیس جمهور تا نوعیت نظام و حقوق وجایب شهروندان را در بر داشته باشد، اما در اینجا به مسألهٔ شیوهٔ نگارش و پراگندگی های متن در قانون اساسی، اشاراتی صورت گرفته است.

تعبیرات چندگانه از مواد قانون

جابجایی واژه ها وکلمات وساختار جملات در مواد قانون به ویژه قانون اساسی از اهمیتی خاص برخوردار است. در چنین موردی باید حد اکثر تلاش به خرج داده شود تا امکان تعبیرات چندگانه از مواد قانون، منتفی گردد. اما در مسودهء قانون اساسی آینده که دو کمیسیون ۹ عضوی و ۳۵ عضوی مدت یک سال را در ترتیب آن سپری کرده اند، مواردی از این دست وجود دارد:

• **در مادهء دوم آمده است که "دین افغانستان، دین مقدس اسلام است" این ماده با آن که در تحت فصل "دولت" گنجانیده شده، ولی اگر به همین شکل باقی بماند، هیچ گونه مسؤولیت و مکلفیتی را برای هیچ کسی ایجاد نمی تواند و بهتر است چنین باشد:**

"دین دولت و مردم افغانستان، دین مقدس اسلام است".

• **در مادهء پانزدهم آمده است که "آثار باستانی ملک دولت می باشد. دولت مکلف است در مورد حفظ آثار باستانی و بهبود محیط زیست تدابیر لازم اتخاذ نماید".**

این ماده به همین شکل و ساختار دستوری، هیچ نوع مکلفیتی را برای دولت ایجاد نمی کند، زیرا در پایان ماده به عوض "انجام دادن اقدامات" از "اتخاذ تدابیر لازم" استفاده شده است و بهتر است چنین اصلاح شود: "آثار باستانی ملکیت دولت بوده ودولت مکلف است به منظور حفظ آثار باستانی، اقدامات لازم را انجام دهد".

چون "محیط زیست" مساله یی جدا از "آثار باستانی" است، بناً اختلاط آن با آثار باستانی لازم نبوده ایجاب می کند تا بند جداگانه یی در آن مورد، چنین ترتیب گردد:

"دولت مکلف است در جهت بهبود محیط زیست، اقدامات لازم را انجام دهد".

• **در بند سوم مادهء شانزدهم، نشر مطبوعات و رسانه های گروهی به تمام زبان های رایج در کشور آزاد خوانده شده است.**

چون قوانین فرعی با رعایت مواد قانون اساسی به حیث قانون مادر، به وجود می آید، بناً این بند با مفهومی که فعلاً ارایه می دهد، می تواند موجب بروز مباحثات جدی در مورد قانون مطبوعات گردد.

امروز اینترنت جهان را به یک دهکدهء کوچک تبدیل کرده است و دور نیست که مردم افغانستان صفحات بیشتری را بر روی اینترنت با زبان های بین المللی، پخش نمایند و هم چنان هم اکنون در کابل، چندین نشریه با فیصدی معین به زبان های بین المللی نیز نشرات دارند و رادیو هایی نیز وجود دارد که به زبان های بین المللی نشرات می کند و از امکان دور نیست که در آیندهٔ شبکه های تلویزیونی مستقل (غیر از کیبل) نیز به زبان های ملی و بین المللی به فعالیت آغاز نماید. بناً این بند ماده ۱۶ با قید لسان های رایج در کشور می تواند مشکل آفرین باشد. بهتر است این بند چنین اصلاح شود:

"نشر مطبوعات و رسانه های همگانی به تمام زبان های رایج در کشور و لسان های بین المللی آزاد است".

• **مادهء هفدهم نیز در رابطه به ارتقای معارف در همه سطوح، انکشاف تعلیمات دینی و بهبود وضع مساجد، مدارس ومراکز دینی باقید گذاشتن "اتخاذ تدابیر لازم" پایان یافته است که باید مانند مثال قبلی به "انجام دادن اقدامات لازم" ارجحیت داده شود.**

• **بند سوم مادهء چهل وششم حکم می کند:**

"دولت می تواند تأسیس مؤسسات تعلیمات عالی عمومی و اختصاصی را به اشخاص خارجی نیز مطابق احکام قانون اجازه دهد".

واضح نیست که آیا شرایط نصاب تعلیمی افغانستان که در مادهء چهل و پنجم از آن تذکر رفته است، در این مورد مراعات می گردد یا خیر؟ ولی صدور اجازهء تأسیس مؤسسات تعلیمات عالی به افراد، حتی اگر به منظور ارتقای سطح معارف نیز باشد، مسؤولانه نیست وبهتر است صدور این نوع اجازه به عوض اشخاص و افراد به مراجع ونهادها، مختص گردد و این بند چنین اصلاح شود: "دولت حق دارد اجازهء تأسیس مؤسسات تعلیمات عالی عمومی و اختصاصی را به مؤسسات تعلیمی خارجی مطابق احکام قانون وبا رعایت مفاد مادهء چهل و پنجم صادر نماید".

• **درمادهء پنجاه و دوم آمده است:**

"دولت وسایل وقایه و علاج امراض و تسهیلات صحی را برای همه اتباع مطابق به احکام قانون تامین می نماید".

چنین ماده یی از سال ها بدین سو در قانون اساسی و اصولنامه های کشور، وجودداشته است، اما هیچ گونه تأثیری بر شرایط عرضهء خدمات صحی و بهداشتی وارد نیاورده است، زیرا از یک سو متن ماده مکلفیتی جدی را ایجاد نمی کند واز سوی دیگر اقدامات متوازن با عصر و زمان صورت نگرفته است. بناً بهتر است، متن این ماده چنین اصلاح شود:

"دولت نظام اجتماعی بیمهء صحی را حمایت نموده، مساعد ساختن زمینهء بهداشت عمومی شهروندان را مکلفیت خود می داند ووسایل وقایه وعلاج بیماری ها را برای همه شهروندان با معیار های بین المللی مطابق به احکام قانون تأمین می نماید.

دولت حق دارد اجازهء تأسیس مؤسسات بیمه، مراکز عرضهء خدمات صحی و بیمارستان را به نهادهای خارجی، مطابق احکام قانون صادر نماید".

موارد مختلف مانند بند سوم مادهء پنجاه و دوم و بند اول مادهء پنجاه وسوم وغیر آن ها نیز بر "اتخاذ تدابیر لازم" تأکید دارد که بهتر است همهء چنان موارد به "انجام دادن اقدامات لازم" تبدیل گردد.

• **در مادهء پنجاه و نهم چنین آمده است:**

"هیچ شخصی نمی تواند با سوء استفاده از حقوق و آزادی های مندرج این قانون اساسی، برضد استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت و وحدت ملی عمل کند".

تعبیر دیگرگون از این ماده در رابطه به "نمی تواند" امکان دارد در حد یک شرط گذاری خلاصه گردد و بهتر است چنین اصلاح گردد:

"هیچ شخص و نهادی حق ندارد با سوء استفاده..."

به صورت فشرده باید گفت که جمع بندی واصلاح مشکلات دستوری مواد مسودهء قانون اساسی کار یک فرد نیست وبا تأسف که کمیسیون های تسوید وتدقیق نتوانسته اند، این مهم را به صورت درست انجام دهند و این که تفسیرات متعدد از مواد قانون شده می تواند، واقعاً مشکلی درخور توجه است.

درگذشته مثلاً در قانون اساسی رژیم جمهوری سردار محمد داوود، برای جلوگیری از ایجاد تفسیرات متعدد راهی سنجیده شده بود -ومادهء ۱۳۵ قانون اساسی ۱۳۵۵ حکم می کند که یگانه مرجع صلاحیتدار برای تفسیر قانون اساسی، ستره محکمه است؛ اما در مسودهء فعلی باوجود امکان تفسیرات متعدد، چنین ماده یی وجود ندارد که باید این نقیصه نیز رفع گردد.

ادامه دارد

مسودهٔ قانون اساسی، دیدگاه ها و نظریات

افغانستان برای رهایی از ...

مـــردم بـــه دلیـــل داشـــتن نماینـدگان در پارلمـان قادرنـد آرا و نظریـات شـان را ارایـه نماینـد و بـا پیشـنهادها و انتقادهـای شـان راه انحراف نظام را سد کنند.

اسـتاد ربـانی همچنین گفتند در حـال حاضـر احـزاب جهـادی گذشـته، بـا تغییـر در روش و برنامـه هـای استراتژیک شـان راه را بـرای حضـور فعـال در مبـارزهٔ پارلمـانی همـوار کـرده انـد و بـر قـرار ی سیسـتم ریاسـتی در مملکـت بـه ایـن بهانـه کـه هنـوز در افغانســتان احــزاب نیرومنــد سیاســی وجـود نـدارد موجـه نیست.

اسـتاد گفتنـد در شـرایط حاضـر که در افغانستان هنـوز امنیـت تـأمین نگردیــده و اردوی ملــی تشــکیل نشـده و خلـع سـلاح عمومـی صـورت نگرفتـه اسـت تفـویض صـلاحیت هـای بیش از حـد بـه یـک نفر بـه عنوان رئیس جمهـور سودمند نیست و قـانون اساسـی جنبـهٔ عملـی پیـدا کـرده نمـی توانـد. وکشـور بـه سـوی ثبات وامنیت ورفاه سیر نمی کند.

ضرورت مهار کردن قدرت زمامدار ...

داود خـان در حقیقـت سـلطان بلامنـازع ایـن سـرزمین بـود هرچنـد قانونـا او خـود را در برابـر ملـت مسؤول می خواند اما ایـن کـه ملـت ایـن حـق را چگونـه بایـد اعمـال نمایـد، مشـخص نبـود. او بـراه خطـا رفت ولی خودش آخرین کسـی بـود کـه بـه خطـای خـود پـی بـرد ولـی دیگر خیلی دیر شده بود.

سـرانجام کمونیسـت هـا بـا کودتـای خـویش داود خـان را سـرنگون کردنـد و بـر نهـاد گذشـته خـط بطـلان کشـیدند و تجربـهٔ جدیـدی آغـاز شـد. آنهـا کودتـای خـود را انقـلاب نامیدنـد انهـم انقلابـی متفـاوت از همـه انقـلاب های پیشین در تاریخ!

در ایـن گیـر و دار هریـک دیگری را از اریکـهٔ قـدرت بـه زیـر کشید، بـا ایـن ادعـا کـه نظـم نـوین کـارگری را او برپـا خواهـد کـرد. آنهـا نـام نظـام خـویش را دموکراتیک نهادند امـا آنچـه کـه در این نظـام بـه اصـطلاح دموکراتیـک جـایی نداشـت، رآی و ارادهٔ ملـت بـود. یـک و نـیم میلیـون از افـراد همـین ملـت را کشـتند و سـرانجام همه راههـا حتـی راه حکومـت از راه کشـتار نیـز بـا فـرو پاشـی اتحـاد شـوروی بـه بـن بسـت رسـید. در لابراتوار افغانسـتان ایـن تجربـه هـم به شکست مواجه شد.

نوبت بـه مجاهـدان رسید. آنهـا وارث خـون بـیش از یـک ونـیم میلیـون شـهید راه اسـلام بودنـد و ملت سررشتهٔ برقـراری نظـام عـدل الهـی را برکـف آنـان نهـاد امـا طوفـانی از دسـایس، حـوادثی آفریـد کـه سـرآغاز مصـیبت هـایی تـازه برای این ملـت شـد. ایـن بـار هـردو طـرف الله اکبـر گویـان بجـان هـم افتادند و دیدیم آنچه کـه نبایـد مـی دیدیم.

طالبـان آمدنـد و منکـر حـق انتخـاب بـرای ملـت شـدند. چـرا؟ زیـرا در یـک جامعـه افـراد صـالح و طـالح وجـود دارد. همـه را نمـی تـوان دارای حـق مسـاوی بـرای انتخاب دانست. پس بهتـر آن اسـت که بگوییم کـه خـر مـا از کرگـی دم نداشـت! یعنـی در نظـام مـا اصـولا رای دادن و رای گـرفتن از بنیـاد نامشروع اسـت. تغلـب اسـت کـه بـه این امارت مشروعیت می بخشد.

همـه تجربـه هـای گذشـته نمایانگر یـک حقیقـت مسـلم اسـت و آن ایـن کـه تـا ملـت مشـارکت و تأثیر گـذاری خـود را عمـلا در نظـام سیاسـی کشـور احسـاس نکنـد و نقـش خـود را عمـلا در آئینـهٔ اعمـال دولـت داران و سیاسـتمداران نبینـد، از هـیچ نظـامی بـه دفـاع بـر نخواهـد خواسـت. وقتـی ملـت از نظـام حـاکم بـر کشـور بـه دفـاع بـر نخیـزد، تجربـهٔ آن نظـام نیـز بـه تجارب ناکام گذشـته افـزوده خواهـد شـد. فرقـی نمـی کنـد اگـر نـام آن نظام را شاهی مشـروطه بگـذاریم یـا جمهوری یا هرنام و عنوانی دیگر.

اکنـون مـاییم و کـوهی از تجـارب ناکـام گذشـته در قفـا و مسـوده یـی از یـک قـانون در جلـو که باید در ایـن لابراتـوار بـه تجربـه گرفته شود.

نماز تراویح
فضایل واحکام

سیدناصر تقدسی

مشروعیت تراویح

شب زنده داری رمضان، یا نماز تراویح یکی از سنت های پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه وسلم است کـه پس از ادای فرض خفتن و پیش از نماز وتر. دو دو رکعت ادا می شود، ووقت آن تا پاس اخیر شب ادامه می یابد. در مورد مشروعیت این نماز، روایاتی متعدد نقل شده است که به ذکر چندتای آن بسنده می شود.

گروهی، از ابوهریره روایت کرده اند که گفت: پیامبر بدون آن که در تراویح به عزیمت امر کرده باشد، -مسلمانان را_ به شب زنده داری، یا تراویح رمضان تشویق وترغیب می کرد، و می گفت: (من قام رمضان إیماناً وإحتساباً غفر له ماتقدم من ذنبه) "کسی که از روی ایمان وطلب ثواب، رمضان را قیام نماید، گناهان گذشته اش بخشوده شود" از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت است که گفت: پیغمبر در مسجد (مسجد نبوی) نماز -تراویح- خواند، و مردماتی زیاد نیز باوی نماز گذاردند، در سال آینده اش نیز پیامبر نماز -تراویح- خواند و -صحابهٔ زیادی دراین نماز- شرکت کردند، ودر شب سوم -رمضان- که ایشان باز جهت ادای تراویح گردهم آمدند، اما پیامبر به طرف آن ها نرفت. هنگامی که صبح فرا رسید، رسول خدا گفت: (قد رأیت صنیعکم فلم یمنعنی من الخروج إلیکم إلا انی خشیت أن تفرض إلیکم).

"فعل شما را دیدم وتنها چیزی که از بیرون شدنم به سوی شما جلوگیری کرد، هراسیدنم از آن بود که مبادا -تراویح- برشما فرض گردد".

تعداد رکعات تراویح

از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در رمضان وغیر آن -تراویح را همراه با وتر از یازده رکعت بیشتر نمی خواند. همچنان ابن خزیمه و ابن حبان از جابر رضی الله عنه روایت کرده اند که: رسول خدا به یاران، هشت رکعت تراویح خواند و نماز وتر را نیز ادا نمود. و ما در سال آینده انتظار او را داشتیم تا به سوی مردم به خاطر ادای تراویح بیرون گردد که نگردید.

ابویعلی وطبرانی نیز روایت می کنند که: ابی بن کعب پیش رسول خدا آمد و گفت: ای فرستادهٔ خدا، در امشب رمضان چیزی برمن گذشت. پیامبر فرمود: (وماذابک یا أبی)؟ ای ابی چه گپ بود؟ گفت: زنانی که در خانه ام بودند، گفتند: ما که قرآن نمی خوانیم، نماز -تراویح- را به امامت تو ادا کنیم؟ و من به آنان هشت رکعت نماز خواندم و وتر را نیز ادا کردم، پیامبر -در این باره- هیچ چیزی نگفت وبه این کار رضائیت نشان داد.

بناءً با توجه به آن چه گفته آمد، نماز سنت تراویح هشت رکعت می باشد، واضافه از آن، چیزی از رسول اکرم روایت نشده است، اما بر اساس درست ترین روایت، مردم در روزگار عمر، عثمان و علی تراویح را بیست رکعت می گذاردند. و همین رأی طرف تأیید فقهای حنفی و حنبلی نیز قرار گرفته است. ترمذی می گوید: اکثر اهل دانش بنابر روایاتی که از عمر وعلی وسایر یاران پیامبر نقل گردیده، باور دارند که در عهد سه خلیفهٔ اسلام، تراویح بیست رکعت بوده است. امام ثوری، ابن مبارک و شافعی هم بر همین بیست رکعت معتقد هستند.

برخی از علمای مسلمان بر آنند که تراویح سنت هشت رکعت است و دوازده رکعات دیگر مستحب می باشد.

جماعت در تراویح

بنا به قول جمهور علما، ادای نماز تراویح همان گونه که بطور انفرادی جواز دارد. به طور اجتماعی نیز نه تنها جایز که بهتر و با فضیلت تر است: چه در سطور بالا خاطر نشان شد که رسول خداتراویح را برای مسلمانان به جماعت خوانده است ولی از ترس آن که مبادا فرض گردد از تداوم آن امتناع ورزیده است، وپس از پیامبر حضرت عمر، مسلمانان را به گرد آمدن پشت یک امام هدایت فرمود. چنان که بخاری از عبدالرحمن بن عبدالقادر روایت می کند که گفت: در شبی از رمضان همراه عمر بن خطاب به مسجد رفتیم. دیدیم که مردمان در هر گوشهٔ مسجد به طور پراگنده نماز می خواندند. کسی به تنهایی خود، می خواند ودیگری جماعتی را امامت می کرد. با مشاهدهٔ این صحنه، عمر گفت: فکر می کنم اگر

در ترویحه که عبارت از جلسهٔ استراحت پس از هر چهار رکعت نماز تراویح است، نماز گذار اختیار دارد که خاموش می نشیند ویا ذکر وتسبیح می گوید و یا هم نفل می خواند.

این ها را بر امامت یک نفر جمع کنم بهتر خواهد بود، وسپس بر این کار عزم کرد، وهمگان را بر امامت ابی پسر کعب گرد آورد، و چون در شب آینده به مسجد رفتیم دیدیم که همه در عقب یک امام نماز می خوانند. -در این حال- حضرت عمر گفت: (نعمت البدعه هذه) "این، چه میمون بدعتی است".

در ترویحه، چه باید کرد؟

در ترویحه که عبارت از جلسهٔ استراحت پس از هر چهار رکعت نماز تراویح است. نماز گذار اختیار دارد که خاموش می نشیند ویا ذکر وتسبیح می گوید و یا هم نفل می خواند. اما شماری از فقهای مسلمان گفته اند که در ترویحه این دعا باید خوانده شود:

(سبحان ذی الملک والملکوت سبحان ذی العزه والعظمه والهیبه والقدره والکبریاء والجبروت سبحان الملک الحی الذی لاینام ولایموت سبوح قدوس ربنا ورب الملائکه والروح اللهم أجرنا من النار یا مجیر یا مجیر یا مجیر).

"پاک است صاحب حکومت واقتدار، پاک است صاحب عزت وعظمت وهیبت وقدرت وبزرگواری و شوکت، پاک است وبرتر، آن پادشاهی زنده وجاوید که نمی خوابد و نمی میرد، نهایت پاک است واز عیب ها منزه، پروردگار ما و پروردگار فرشتگان و پروردگار جبریل. ای خداوندا! ما را از عذاب دوزخ نجات ده، ای پناه دهنده، ای پناه دهنده، ای پناه دهنده".

ختم قرآن در تراویح

در تمام ماه مبارک صیام ختم قرآن کریم سنت مؤکد است. چنان که حضرت پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم هر سال در ماه رمضان همهٔ قرآن مجید را از حضرت جبریل استماع مـ . فرمود و در آخرین سالی که از دنیا رحل . می بست، جبریل دوبار قرآن را برایش خواند. وبا توجه به همین اهمیت است . ه او صلی الله علیه وسلم امت اسلامی ر نیز به ختم قرآن تشویق و ترغیب کرده است: از عبدالله بن عمر روایت است که پیامبر گفت: روزه وقرآن برای مؤمن شفاعت خواهند کرد. روزه خواهد گفت: ای پروردگار من! من در جریان روز این شخص را از خوردن و سایر لذت ها باز می داشتم، پس ای پروردگارم! درحق این شخص شفاعت مرا قبول فرما، وقرآن خواهد گفت که من در شب، این شخص را از خواب واستراحت باز داشتم و او خواب خود را ترک گفته و به حضور تو ایستاده شد و قرآن خواند. پس ای پروردگارا! در حق این شخص شفاعت مرا قبول فرما، آنگاه خداوند سفارش آن هردو (روزه وقرآن) را -در حق این شخص- قبول خواهد کرد.

صحابهٔ کرام رضوان الله علیهم اجمعین نیز به این سنت اهتمام فرموده اند، لذا در اثر بی توجهی وتنبلی، ترک این سنت درست نیست و تارکان آن مورد ملامت و مستحق سرزنش خواهند بود.

مراجع:

۱- الاختیار فی الفقه/ علامه موصلی حنفی
۲- الفقه الإسلامی وادلته/ دکتر وهبه الزهیلی
۳- فقه السنه/ سید سابق
۴- فقه آسان/ محمد یوسف اصلاحی

بازداشت سران قبایل به جرم همکاری با دولت افغانستان

جنـرال متقاعـد محمـد شـاه نماینـدهٔ دولـت پاکسـتان در منـاطق قبـایلی روز گذشـته بـه خبرنگاران گفت: دولت به مـا صـلاحیت داده اسـت تـا آن عـده افرادی را کـه بـا دولـت کابـل بـه خـاطر آسـیب رسـاندن بـه پاکسـتان ارتبـاط دارنـد دسـتگیر نماییم. ملک میـر از قبیلـهٔ شیخین اورکـزی، حـاجی فضل الـرحمن، یکـی از بزرگـان عیسـی خیـل وشـاخه اورکـزی چنـد روز پـیش از سـوی مقامـات دولتـی پاکستان بـاز داشـت شـده و بـه زنـدان کوهـات اعـزام شده اند. پنج نفر دیگر از بزرگـان ایـن قبیلـه کـه بـا ملـک میـر و حـاجی فضـل الـرحمن بـه افغانسـتان آمـده بودند تحـت تعقیـب قـرار دارنـد. ایـن اقـدام بـه تأسـی از ایـن سیاسـت کهنـهٔ زمامـداران پاکسـتان هـر کـه بـا حکومت کابـل دوسـتی کنـد جـایش زنـدان اسـت عملـی می شود.

هیـأت مشـترک قبایـل اورکـزی، کـرم وخیبـر ایجنسی اخیراً از کابل و جـلال آبـاد بـاز دیـد نمـوده و طی اقامت ده روزهٔ خـود بـا مقامـات محلـی پیرامـون جلوگیری از قاچاق مواد مخدر صحبت نمودند.

ایـن هیـأت بـا محمـد عـارف نـورزی وزیـر سـرحدات و حـاجی دیـن محمـد والـی ننگرهـار نیـز ملاقـات نمودنـد. بنـابر نوشـتهٔ مطبوعـات پاکستان ملاقـات بـا حامـد کـرزی بنـابر دلایلـی عملی نشد.

یـک هیـأت دیگـر قبایـل بـاجور و نماینـدگان وزیرسـتان شـمالی وجنـوبی مربـوط بـه قبیلـهٔ مهمنـد اخیـراً از افغانسـتان نیـز بازدید نموده اند.

روزنامه هـای پاکستانی نوشته انـد کـه هیـأت بعـد از مراجعـه از افغانسـتان مـردم را بـه کشـت خشخاش دعوت نموده اند.

اتهـامی کـه هیـأت مـذکور آن را شـدیداً رد نموده است.

انفجاری در مقابل
دفتر سازمان ملل در کندهار این شهر را لرزاند

وقوع انفجار در مقابل دفتر سازمان ملل متحد درکندهارباعث قتل یک نفر و خسارات مالی گردید.

بر اساس گزارش منابع خبری عصر دیروز انفجار زمانی رخ داد که بمبی در یک موتر تیز رفتار تعبیه گردیده بود.

در اثر این انفجار به دفتر سازمان ملل وساختمان های همجوار آن خسارات مالی زیادی وارد گردیده است هفتهٔ گذشته انفجاری در مقابل دفتر حمایهٔ اطفال سویدن و اکسفام در کابل رخ داد که تلفات جانی در پی نداشت اما خساراتی مالی به بار آورد.

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً ایشان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خداوند با نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قران قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین ارزوهای ماست

دور ششم | سال دوم | شماره سوم | چهارشنبه ۲۱ عقرب ۱۳۸۲ | ۱۷ رمضان المبارک ۱۴۲٤ – 12 November 2003

دربدل آزادی مهندس ترکی ربوده شده

طالبان خواستار رهایی دوصدوپنجاه طالب اسیر شدند

ملیشای طالبان که یک انجینیر ترکی را اختطاف نموده اند در ازای وی خواهان رهایی ۲۵۰ تن از طالبانی شده اند که در اسارت دولت به سر می برند.

عبدالوارث مسلم یکتن از فرماندهان طالبان که حسن لونال انجینیر ترکی را ربوده به روزنامهٔ نیوز چاپ پاکستان گفته است او انجینیر ترکی را تا زمانی که حکومت افغانستان بر اثر فشارهای کشور ترکیه و آمریکا حاضر به رهایی طالبان نشود رها نخواهد کرد.

بناءً شاید اسارت انجینیر ترکی سال ها طول بکشد. گفته می شود که موصوف خواهان رهایی تمام اسرای طالبان که در غزنی وزابل دستگیر شده اند ورقم ایشان به ۲۵۰ نفر می رسد شده است. به قول روزنامهٔ نیوز عبدالوارث که توسط تلفن ستلایت از محلی نا معلوم از افغانستان صحبت می کرد این گزارش ها را رد نموده و گفته است وی خواهان رهایی شش الی هشت تن طالب درازای آزادی انجینیر مذکور شده است. او تأکید ورزیده است که هیچ ضرب الاجلی به خاطر رهایی طالبان اسیر ویا قتل انجینیر ترکی تعیین نه شده است. طالبان امیدوارند تا سید محمد شهید خیل معین وزارت معارف و سدوزی از افراد امنیت سابق ایشان در جملهٔ رها شوندگان باشند. مسلم در واکنش به تهدید وزیر داخله مبنی بر عدم معامله با طالبان گفت: بناءً انجینیر ترکی در قید باقی خواهد ماند. به قول مسلم انجینیر ترکی سه بار با خانواده اش در ترکیه ویکبار با کمپنی خویش در کابل صحبت نموده است. انجینیر ترکی با تیم خویش هفتهٔ گذشته که مصروف کار بازسازی سرک در مسیر میدان –قندهار بود از طرف طالبان ربوده شد.

قتل، پایان دوستی ومعاونت!

قرار گزارش شاهدان عینی یکی از هموطنان ما به نام سید حبیب فرزند سید فضل کریم که اصلاً از نیمروز است در شهر پشاور با شخصی سردار که از قره باغ شمالی بوده طرح دوستی می ریزد. همین که آن ها به داخل کشور بر می گردند، روزی همان دوست شمالی نزد آشنای دوران هجرتش می آید و می گوید که با تمام خانواده گرسنه ایم. اگر کمکی بکنی و از یگان صاحب کارخانهٔ قالین بافی به ضمانت خود برایم مواد بافت قالین بگیری و ما با این کار از گرسنگی و هلاکت نجات یابیم ثواب و اجر را نصیب خواهی شد. دوست اش به خاطر انسان دوستی چنین کاری را عملی می کند و مواد قالین را برایش می گیرد.

همین که سردار مواد را تسلیم می شود تاشش هفت ماه برای ادای دین نزد صاحب کار مراجعه نمی کند. وبالاخره صاحب کار ضامن را می خواهد وموضوع را با وی درمیان می گذارد. او مجبور می شود تا نزد دوستش به طرف شمالی برود همین که با او بر می خورد مناسبات شان رو به خرابی می نهد –ضامن ناچار به مقامات دولتی عارض می گردد و سردار از طرف دولت چند روزی حبس می گر دد. همین که با طرق ووسائلی گوناگون از حبس رها می گردد روزی از ضامن می خواهد تا به منطقه برود تا جنس و یا پول آن را در اختیارش بگذارد. همین که دوست نیمروزی خود را به منطقهٔ شمالی به ده قاضی می برد بلافاصله او را در چنگال افراد مسلح می اندازد و او را از چند روستا وپاتک عبور داده ودر یکی از روستا های مربوط محبوسش می کند برادرش سید نعیم هرقدر تلاش می کند اثری از وی نمی یابد. اما چند روز بعد اطلاع حاصل می کند که جسد برادرش که سر ویک پای و دستش قطع گردیده در نزدیکی های همان روستا افگنده شده، قرار معلوم برادرش سید نعیم با فجیعانه ترین شکل به قتل رسیده است. این است نتیجهٔ انسان دوستی و محبت به همنوع!

جنرال دوستم:

بی وسلی کیدل امنیت ته تاوان رسوی

د ازادي راډیو دعقرب پر ۱۷ خبر ورکړ چې جنرال عبدالرشید دوستم دامریکا غږ راډیو ته دیو لیک په ترڅ کې څرګنده کړې چې دافغانستان داساسي قانون په مسوده کې راتلونکي جمهور رئیس ته دبشپړ واک ورکول سم کار نه دی او دی ورسره موافق نه دی.

دغه راز جنرال دوستم په دې لیک کې چې دامریکا غږ راډیو له



لاري دملګرو ملتو سازمان د امنیت شورا ته هم رسیدلی دی د بې وسلې کولو په باب هم ورانده شوي نظرونه له دې منلي او زیاته کړې یې ده چې د طالبانو او القاعدې د ګواښونو ددوام له امله له دغه کار سره توافق نه لري او دا څکه چې ددې کار په عملي کیدو سره به امنیت ته تاوان ورسیږي

ش- ز

فرهاد دریا: نظام الدین ملکیار

جریان سازمان یافته یی، برعلیه من شایعه پراگنی می کند



فرهاد دریا نامه یی را که متنی گلایه آمیز دارد، به ارتباط شایعاتی در مورد بازگشتش به کشور، عنوانی نشریه های کابل فرستاده، تا چاپ گردد. فرهاد دریا در این نامه شکایت نموده است که یکی از نهادهای مرکزی و رسمی موسیقی در کابل، هدف بازگشت او را "تجارت" خوانده و نهادیگری هدف او را قاچاق کردن مجسمه های باستانی افغانستان عنوان کرده است. به گفتهٔ برخی ها، هر دو شایعهٔ فوق از منابع وزارت اطلاعات وفرهنگ بیرون شده است، اما واضح نشده که چرا برخی نهادهای آن وزارت با برگشت فرهاد دریا مخالف اند.

فرهاد دریا می گوید که در عقب این مخالفت ها جریانات سازمان یافته تری قرار دارد و عده یی می خواهند با چنین حرکاتی موانعی را بر سر راه بازگشت هنر مندان افغانی ایجاد کنند.

فرهاد دریا از جملهٔ مشهور ترین آواز خوانان افغانستان است که از حدود ۱۳ سال به این طرف در غرب به سر می برد او طی دههٔ ۱۳۶۰ چند پارچه آهنگ را در تلویزیون افغانستان ثبت نمود که در آن ها مخالفت با رژیم وقت به گونه یی واضح، وجود داشت.

در آن دوران در مورد فرهاد دریا بیشتر این باور وجود داشت که او به عنصر تعهد در هنر خود ارزش فراوان قایل است اما این باور زمانی به سستی گرایید که در سال های ۷۰ و محصوصاً بعد از بیداد طالبان، او اهنگ های شاد، غنایی وتا حدی احساسات جوانانه را بیشتر سرود و به ماموول تعهد ملی کمتر توجه کرد.

به هر حال فرهاد دریا اگر به عنوان آهنگساز مطرح باشد می تواند پرکارترین آهنگساز افغانستان خوانده شود واگر به عنوان آواز خوان مطرح شود می توان گفت که در سال های اخیر بعد از آن که او با موسیقی غزل لایت وداع گفته است، آهنگ های او امیزه یی از طراوت روستا و شوخی شهر است و در این گستره نیز فرهاد دریا بسیار پرکار، پرتلاش و نو آور بوده است.

اعتذار

خوانندگان محترم مجاهد!
در شماره قبلی که متن پیش نویس مسودهٔ قانون اساسی را نشر نمودیم مقدمهٔ آن از چاپ باز مانده بوده که اینک می خوانید:

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

ما مردم افغانستان:

• با ایمان راسخ به ذات پاک خداوند (ج) و توکل به مشیت ذات او و اعتقاد به دین مقدس اسلام .

• با رعایت منشور ملل متحد و احترام به اعلامیه جهانی حقوق بشر.

• با درک بی عدالتی ها و نابسامانی های گذشته و مصایب بی شماری که بر کشور ما وارد آمده است.

• با تقدیر از فداکاری ها، مبارزات تاریخی ، جهاد و مقاومت بر حق ملت و ارج گذاری به مقام والای شهدای راه آزادی افغانستان.

• با درک این که افغانستان واحد و یکپارچه به همه اقوام و مردم این سرزمین تعلق دارد.

• به منظور تحکیم وحدت ملی و حراست از استقلال حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور.

• به منظور تأسیس نظام متکی بر ارادهٔ مردم و دموکراسی.

• به منظور ایجاد جامعه مدنی عاری از ظلم ، استبداد، تبعیض و خشونت و مبتنی بر قانونمندی، عدالت اجتماعی ، حفظ کرامت وحقوق انسانی و تأمین آزادی ها و حقوق اساسی مردم.

• به منظور تقویت بنیاد های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دفاعی کشور.

• به منظور تأمین زندگی مرفه و محیط زیست سالم برای همه ساکنان این سرزمین .

• و بالاخره به منظور تثبیت جایگاه شایستهٔ افغانستان در خانوادهٔ بین المللی.

این قانون اساسی را مطابق به واقعیت های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی کشور و مقتضیات عصر ، ازطریق نمایندگان منتخب خود در لویه جرگه مؤرخ / /۱۳۸۲ در شهر کابل تصویب نمودیم.

پیام استاد ...

سهم مؤثری داشت، صدهاتن از جوانان را تربیت وبه سنگرها اعزام داشت، در دوران پیروزی جهاد ملت افغانستان در وزارت دفاع دولت اسلامی مشغول کار شد، ودر برابر آشوبگران از هیچ نوع فداکاری دریغ ننمود، روحش شاد ویادش همیشه زنده وجاوید باد، دعا می کنم خداوند توانا در جنت الفردوس برایش منزل عطا نماید.